

عبدالعلی نظامتیان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

ذینفع در  
ضمانتنامه های  
بین المللی بانکی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## ● مقدمه

شک نیست که انعقاد قراردادهای نفسه حقوق و تعهداتی را برای افراد تشکیل دهنده آنها دربر دارد. در قراردادهای دارای ماهیت معوض تجلی این گونه حقوق و تعهدات، دوجانبه و متقابل است. هر طرف بدان انگیزه تعهد یا تعهدات ناشی از قرارداد را به نفع طرف مقابل برعهده می‌گیرد که آن طرف هم متقابلاً تعهد و یا تعهداتی را به نفع او برعهده گیرد و حقوق و یا منافی را عاید وی سازد. به عنوان مثال، در یک دادوستد ساده، فروشنده از آن روی دلبستگی خود بر مالکیت را می‌گسلد و آن را به مالکیت خریدار در می‌آورد که خریدار هم به ازای متقابل این گذشت و بهره‌وری از مالکیت مبیع، ثمن معامله را به او بپردازد. اما طبع فزون‌طلبی آدمی معمولاً مجال انجام ساده و بی سروصدای معاملات را نمی‌دهد. سوداگران به خاطر سودجویی و کسب منفعت بیشتر، وجدان اخلاقی و شرافت انسانی را به کناری می‌نهند و پیمان‌شکنی را پیشه خود می‌سازند. پس، باید حق داد که اولین مسأله ذهنی هر انسان برای انجام معامله و انعقاد قرارداد، اطمینان

قلبی از وجود ضمانت اجرای تعهدات طرف مقابل قرارداد باشد. صرف نظر از این مطلب، تشخیص گستره و حدود وثغور حقوق و تعهدات قراردادی افراد امری است تخصصی که در حوزه صلاحیت علمی فرد فرد افراد جامعه نمی‌گنجد و این امر زمینه را برای برداشتهای متفاوت طرفین قرارداد از حقوق و تعهدات قراردادیشان مهیا می‌سازد. بدین ترتیب، می‌توان گفت که مهمترین موضوع قراردادها ضمانت اجرای ناشی از آن است. تمهید ضمانت اجرای مطلوب و مطمئن در قراردادهای ساده و فاقد عنصر بین‌المللی غالباً امری ساده و قابل توجیه به نظر می‌رسد: طرفین این گونه قراردادها فرصت کافی دارند تا تعهدات ناشی از آن را برآورد کنند و به تناسب این تعهدات، تمهیدات متفاوتی را برای تضمین اجرای آن در نظر گیرند و آن را به هنگام انعقاد قرارداد خود ملحوظ نظر قرار دهند، و نهایتاً، در صورت تعذر اعمال این تمهیدات، راه محکمه را در پیش گیرند و حقوق خود را از این طریق استیفاء نمایند. اما این شیوه در مبادلات و قراردادهای تجاری بین‌المللی کاربرد چندانی ندارد. حجم وسیع این گونه معاملات در سطح جهانی و لزوم تسریع در انجام آنها اتخاذ چنین شیوه‌هایی را تقریباً منتفی می‌سازد. معهذاً، این مطلب بدان مفهوم نیست که در قراردادهای دارای وصف بین‌المللی مشکل ضمانت اجرای تعهدات قراردادی افراد وجود نداشته باشد، بلکه این مشکل در این گونه قراردادها به گونه دیگری خودنمایی می‌کند. به عنوان مثال، در تجارت بین‌المللی معمولاً فروشنده و خریدار از دو کشور متفاوتند که ممکن است هزاران کیلومتر از هم فاصله داشته باشند. ارتباط آنها برای انجام معامله غالباً از طریق تلکس، فاکسی مایل و یا مبادله نامه صورت می‌گیرد. در چنین وضعیتی، خریدار چگونه می‌تواند اطمینان داشته باشد که فروشنده بیگانه پس از دریافت هزاران و یا میلیونها دلار مبلغ پیش پرداخت، تعهدات خویش را ایفا نماید و کالای مورد معامله را در موعد مقرر برای او ارسال دارد؟

بعد مسافت و لزوم تسریع در تجارت بین‌المللی، امکان تماس مستقیم و بی‌واسطه فروشنده و خریدار را به دست نمی‌دهد. علاوه بر این، در

صورت پیمان شکنی هریک از طرفین قرارداد، طرف متضرر نسبت به مسائل حقوقی کشور متبوع طرف پیمان شکن بیگانه است و اساساً هم هزینه سنگین ارزی اقدامات قضایی در کشورهای خارجی موجب می گردد تا وی تمایل چندانی به استیفای حقوق خود از این طریق نداشته باشد و به همین ترتیب است در سایر قراردادهای بین المللی.

پس، باید چاره دیگری اندیشید و از شیوه ها و مکانیسمی بهره برد که در عین تأمین ضمانت اجرایی حقوق قراردادی افراد، در عمل، مانع کند کننده سرعت و دقت در قراردادهای بین المللی نباشند. این شیوه و مکانیسم اجرایی را بانکداری نوین بین المللی فراهم ساخته است.<sup>۱</sup> بانکها با پشتوانه قوی مالی و اعتباری خود می توانند به عنوان واسطه ثالث و مورد اعتماد طرفین در قراردادهای بین المللی عمل کنند و با استفاده از مکانیسم خاص خود ضمانت اجرای معتبری را برای تعهدات قراردادی آنها ایجاد نمایند. از دیدگاه منافع کلی بانکها این گونه روشهای بانکی می بایستی دارای خصوصیات زیر باشند:

الف. دارای ماهیت واسطه ای بوده و نقش بانک را صرفاً به عنوان یک واسطه ثالث و مورد اعتماد طرفین قرارداد، که هیچ ارتباط و وابستگی با معاملات آنها ندارد، محفوظ نگه دارند.

ب. حقوق و تعهدات متقابل بانک و طرفین قرارداد را به نحو روشنی تبیین و آنها را عادلانه بین آنان توزیع نمایند.

تجاوز از این دو اصل کلی، بانکها را در اختلافات طرفین قرارداد در مورد حقوق قراردایشان وارد و در تبعات ناشی از آن درگیر می سازد. به هر حال، بانکداری نوین بین المللی در چارچوب ضابطه کلی فوق، سیستم ضمانتنامه های بین المللی بانکی<sup>۲</sup> را برای تضمین تعهدات افراد تدوین نموده است. مکانیسم اجرایی این شیوه به زبان ساده بدین ترتیب است که

1. A Guide to documentary letter of credit, by James A. Harrington U.N.Z. pub. Scott Printing Corporation, 1975; Baghn William: The International Banking Handbook, pub. Irwin, first edition, England, 1983.

شخصی که تمایل دارد تعهدات قراردادی اش تضمین گردد به بانک مراجعه و تقاضای صدور ضمانتنامه بانکی می نماید. بانک هم طی شرایط خاصی سندی را صادر می کند و به موجب آن متعهد می شود که در صورت مطالبه ضمانتنامه و اعلام تخلف متقاضی صدور ضمانتنامه از اجرای تعهداتش توسط ذینفع، مبلغ مشخصی را به ذینفع بپردازد، مشروط بر آنکه ذینفع شرایط مربوط به مطالبه را که در متن سند ضمانتنامه مندرج است دقیقاً رعایت نموده و مطالبه را در مدت اعتبار ضمانتنامه به عمل آورده باشد. این مکانیسم اجرایی تقریباً در تمامی انواع ضمانتنامه های بین المللی بانکی رایج است، در عرف بانکی متقاضی صدور ضمانتنامه را «ضمانتخواه»<sup>۳</sup>، شخصی را که ضمانتنامه به نفع و به نام او صادر می گردد «ذینفع»<sup>۴</sup> و قراردادی را که به موجب آن ضمانتخواه متعهد به تهیه و ارائه ضمانتنامه بانکی می گردد «قرارداد مبنای صدور ضمانتنامه»<sup>۵</sup> می نامند.<sup>۶</sup>

بدین ترتیب، در یک تحلیل کلی می توان ویژگیهای زیر را برای تعهد بانک در صدور ضمانتنامه بانکی برشمرد:<sup>۷</sup>

مقررات متحدالشکل برای ضمانت قراردادها به جای ارائه تعریف کلی از ضمانتنامه، انواع آن را تعریف کرده است. مثلاً بند «ب» ماده ۲ مقررات مورد اشاره در تعریف ضمانتنامه حسن انجام کار اشعار داشته است:

ضمانتنامه حسن انجام کار عبارت است از تعهدی که بانک، شرکت بیمه یا شخص دیگری (ضمانت کننده) بنا به درخواست طرفی که کالاها یا خدماتی ارائه کرده است به او (ذینفع) می دهد و به موجب آن متعهد می گردد در صورت قصور ضمانتخواه در حسن اجرای کار مطابق شرایط قراردادی که فیما بین ضمانتخواه و ذینفع وجود دارد، مبلغ محدود مشخصی را به ذینفع بپردازد یا چنانچه ضمانتنامه مقرر دارد ترتیب انجام قرارداد را بدهد... (نقل به مضمون از مقررات متحدالشکل برای ضمانت قراردادها، نشریه شماره ۳۲۵ اطاق بازرگانی بین المللی).

3. The Principal

4. Beneficiary

5. The Underlying transaction

6. Uniform Rules for Contract Guarantees, International Chamber of Commerce, No. 325. Paris, 1975, Bali, Hall. .... Encyclopedia of Banking Law, pub: Crosswell Co, England, 1983.

۷. شایان توضیح است که ضمانتنامه های بین المللی بانکی انواع گوناگونی دارد که از

— تعهد بانک تعهدی است مستقل از تعهدات ضمانتخواه در قرارداد مبنای صدور؛

— تعهد بانک تعهدی است مالی به مبلغ معین؛

— تعهد بانک تعهدی است مؤجل دارای مدت مقرر؛

— تعهد بانک تعهدی است منوط به رعایت شرایط مطالبه

ضمانتنامه؛

— تعهد بانک تعهدی است شخصی نسبت به شخص ذینفع.

نتیجه آنکه بانک با صدور ضمانتنامه به طور یکجانبه متعهد می‌شود صرف نظر از روابط قراردادی ذینفع و ضمانتخواه (در چارچوب قرارداد مبنای صدور)، در صورت مطالبه ضمانتنامه توسط ذینفع قبل از انقضای اعتبار آن<sup>۸</sup> و در چارچوب شرایط مندرج در متن ضمانتنامه<sup>۹</sup>، مبلغ آن را به او بپردازد. بنابراین، شخصی که در متن ضمانتنامه از او به نام ذینفع نام برده می‌شود، متعهدله آن به حساب می‌آید. نقش ذینفع در قرارداد مبنای صدور ضمانتنامه به اعتبار نوع ضمانتنامه متفاوت است؛ چنانکه ذینفع ضمانتنامه شرکت در مناقصه در واقع طرف مناقصه گذار، و در ضمانتنامه های حسن اجرای تعهد، یا ضمانتنامه استرداد پیش پرداخت و یا ضمانتنامه استرداد کسور وجه الضمان در واقع طرف متعهد قرارداد مبنای صدور ضمانتنامه به شمار می‌رود که به موجب قرارداد مبنای صدور، پرداخت مبلغ یا مبالغی و یا انجام کاری را به نفع ضمانتخواه (طرف دیگر قرارداد مبنای صدور)

مهمترین آنها می‌توان از ضمانتنامه حسن اجرای تعهد (Good Performance Guarantee)، ضمانتنامه شرکت در مناقصه (Tender Bonds)، ضمانتنامه پیش پرداخت (Advanced Payment Guarantee)، ضمانتنامه های متقابل (Counter Guarantee)، اعتبارنامه های تضمینی (Standby letter of credit) و... نام برد. هریک از این ضمانتنامه ها دارای ماهیت و ویژگیهای حقوقی مختص به خود و در عین حال وجوه اشتراک زیادی است که بحث پیرامون آنها در حوصله این مقاله نمی‌گنجد. در این مقاله تنها سعی شده است مفهوم ذینفع، در این تأسیس حقوقی بانکی به طور کلی، بررسی شود.

8. Expiry Date

9. Conditions for demand

برعهده گرفته است. اما، با وجود این، چند پرسش را در این رابطه می‌توان مطرح ساخت:

— آیا ذینفع ضمانتنامه، در واقع، همان شخصی است که در متن ضمانتنامه نام و مشخصات او به عنوان ذینفع<sup>۱۰</sup> درج شده و بانک در مقابل اشخاص ثالث در مورد ضمانتنامه هیچ گونه مسؤولیتی ندارد، هرچند این شخص (یا اشخاص ثالث) بر اثر فعل و انفعالات حقوقی، ذینفع واقعی ضمانتنامه باشند گرچه نامی از آنان در متن ضمانتنامه ذکر نشده باشد؟

— آیا شرط استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ ضمانتنامه تخلف واقعی ضمانتخواه از قرارداد مبنای صدور ضمانتنامه است و یا صرف مطالبه ضمانتنامه توسط ذینفع در فعلیت استحقاق او کفایت می‌کند؟

— آیا ذینفع می‌تواند حقوق خود در رابطه با ضمانتنامه را به شخص دیگری انتقال دهد؟ و در صورت امکان حقوقی چنین انتقالی، آیا این انتقال نسبت به بانک هم مؤثر بوده و بانک در مقابل شخص منتقل‌الیه متعهد به پرداخت ضمانتنامه خواهد بود؟

— و بالاخره آیا امکان انتقال قهری حقوق ذینفع ضمانتنامه به اشخاص ثالث وجود دارد؟

پاسخ تحلیلی این پرسشها، نیازمند شناخت مفهوم دقیق ذینفع در ضمانتنامه‌های بین‌المللی بانکی است. لذا مباحث این مقاله عمدتاً در دو قسمت آورده خواهد شد:

قسمت اول: شناخت ذینفع، قسمت دوم: انتقال حقوق ذینفع.

۱۰. استاد محترم جناب آقای دکتر اخلاقی ضمانتنامه بانکی را سند یا قراردادی تعریف کرده‌اند که به موجب آن صادرکننده (ضامن) حسب درخواست متقاضی (مضمون‌عنه) در مقابل ذینفع (مضمون‌له) تعهد می‌کند بدون هیچ گونه قید و شرطی و عندالمطالبه یا در سررسید معین مبلغ معینی وجه نقد از بابت موضوع خاصی که مربوط به مضمون‌عنه است به ذینفع یا به حواله کرد او پرداخت نماید. این تعریف بیشتر متأثر از عقد ضمان در نظام حقوقی ایران است و تنها ناظر به نوع خاصی از اقسام ضمانتنامه‌های بانکی که اصطلاحاً «ضمانتنامه عندالمطالبه» (on demand Bonds) نامیده می‌شود، بوده و ضمانتنامه‌های مشروط





## شناخت ذینفع

در مقدمه بحث گفته شد که از نظر عرف بانکی بین المللی ذینفع به شخصی اطلاق می‌گردد که نام و مشخصات او در متن ضمانتنامه به نام «ذینفع» قید شده باشد. همان گونه که گفته شد نقش ذینفع در قرارداد مبنای صدور ضمانتنامه، به اعتبار انواع ضمانتنامه‌های بین المللی، متفاوت است. با وجود این، تنوع شخصیت و نقش ذینفع در قرارداد مبنای صدور ضمانتنامه موجب ایجاد تنوع و پیچیدگی نقش او در ضمانتنامه نیست. به عبارت دیگر، از نظر عرف بانکداری بین المللی ذینفع، صرف نظر از نقش او در قرارداد مبنای صدور ضمانتنامه، شخصی است که در متن ضمانتنامه از وی به عنوان ذینفع نام برده شده باشد. لذا بانکهای صادرکننده ضمانتنامه، صرف نظر از نقش ذینفع در قرارداد مبنای صدور، خود را فقط در مقابل شخصی که در متن سند ضمانتنامه از او تحت عنوان ذینفع نام برده شده است مسؤول و متعهد می‌دانند. اما آیا از نظر حقوقی نیز چنین است؟ یعنی تنها فردی استحقاق دریافت مبلغ ضمانتنامه را دارد که نامش در متن آن ذکر شده و ضمانتنامه را در مهلت مقرر، و با رعایت شرایط مطالبه، مطالبه نموده است؟

برای ارائه پاسخی منطقی به این پرسش لازم است متن عبارت متداول ضمانتنامه‌های بانکی در مورد ذینفع را مورد بررسی قرار دهیم. معمولاً عبارت متداول ضمانتنامه‌ها در مورد پرداخت مبلغ ضمانتنامه به

(conditional Bonds) را در بر نمی‌گیرد (دکتر بهروز اخلاقی: «بخشی پیرامون ضمانتنامه‌های

بانکی» مجله کانون وکلا، شماره ۱۴۸-۱۴۹، ص ۱۵۶).

ذینفع چنین است:

«... بدین وسیله ما امضا کنندگان ذیل این ضمانتنامه متعهد هستیم که مبلغ ضمانتنامه را، که متجاوز از مبلغ... نباشد، با اولین تقاضای کتبی شما آقا / شرکت... به آدرس... به ضمیمه اعلام تخلف ضمانتخواه از قرارداد مبنای صدور، بدون هیچ گونه نیاز به اقدامات قضایی، پردازیم...»

با دقت نظر در متن این عبارات می توان دو موضوع اساسی را در مورد ذینفع ضمانتنامه ها از هم تفکیک نمود:

— مطالبه ضمانتنامه توسط ذینفع<sup>۱۱</sup>

— استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ ضمانتنامه

#### الف. مطالبه ضمانتنامه

مطالبه ضمانتنامه، در واقع، اقدامی است اداری برای دریافت مبلغ ضمانتنامه. بدین توضیح که از نظر عرف مسلم بانکی، ذینفع برای دریافت مبلغ ضمانتنامه و یا اعتبار اسنادی می بایستی شرایط مربوط به مطالبه را که در متن ضمانتنامه پیش بینی شده است دقیقاً رعایت نماید و مطالبه را براساس این شرایط به عمل آورد. عدم رعایت این شرایط، بانک صادرکننده ضمانتنامه و یا اعتبار اسنادی را مجاز می سازد که از پرداخت مبلغ آن به ذینفع خودداری کند.<sup>۱۲</sup> مکانیسم اجرایی مطالبه در ضمانتنامه های

۱۱. به موجب بند ۱ ماده ۸ مقررات متحدالشکل برای ضمانت قراردادهای، ادعای مطالبه باید به صورت مکتوب یا از طریق تلکس یا تلگراف باشد و ضمانت کننده آن را تا پایان وقت اداری تاریخ انقضای ضمانتنامه که در آن درج گردیده و یا به موجب این مقررات تعیین می شود دریافت کرده باشد... (مقررات متحدالشکل برای ضمانت قراردادهای، نشریه شماره ۳۲۵ اطاق بازرگانی بین المللی).

۱۲. «... قاعده تطبیق مطلق و کامل مطالبه با شرایط اعتبارنامه یک قاعده اساسی است و هدف از آن حفظ حقوق دستوردهنده است. هنگامی که شرایط مقرر در اعتبارنامه تصریح

بین المللی بانکی، با توجه به نوع و ماهیت حقوقی آنها (از حیث مشروط و یا عندالمطالبه بودن)، متفاوت است. ولی معمولاً بانکها در سند ضمانتنامه های غیرمشروط و عندالمطالبه قید می کنند که ذینفع بایستی ضمانتنامه را در مدت اعتبار آن کتباً یا از طریق تلکس مطالبه نماید و به ضمیمه آن، اعلامیه خود مبنی بر اعلام تخلف ضمانتخواه از تعهداتی را که به موجب قرارداد مبنای صدور به نفع ذینفع برعهده گرفته است به بانک صادرکننده ضمانتنامه ارسال دارد و یا به همراه مطالبه ضمانتنامه به بانک اعلام کند که ضمانتخواه تعهداتش را ایفا نکرده است.

با وجود این، از دیدگاه حقوقی، مسأله نحوه مطالبه ضمانتنامه ارتباط علت و معلولی چندانی با استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ ضمانتنامه ندارد. به عبارت دیگر، هرچند عرف بانکداری بین المللی تعهد بانک در ضمانتنامه را منوط به رعایت شرایط مطالبه توسط ذینفع می داند و فراتر از آن برای بانکهای صادرکننده ضمانتنامه تعهدی قائل نیست، مع الوصف، باید پذیرفت که لزوماً شرط نیست که رعایت شرایط مطالبه، و مطالبه ضمانتنامه، حتماً توسط شخصی انجام گیرد که نام او به عنوان ذینفع در سند ضمانتنامه قید شده است. مطالبه ضمانتنامه ماهیتاً عملی قائم به شخص ذینفع نیست. ذینفع می تواند اجرای این گونه اعمال و اقدامات اداری را به دیگری واگذار نماید. شخص ثالث، فی المثل بانک گشایشگر اعتبار اسنادی مربوط، به نمایندگی از ذینفع، ضمانتنامه را با رعایت شرایط مربوط مطالبه می نماید. در این صورت، استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ ضمانتنامه بالفعل متحقق می گردد هرچند خود او مطالبه را به عمل نیاورده باشد. در نتیجه، در مواردی که مطالبه ضمانتنامه توسط قائم مقام قانونی ذینفع (اعم از قائم مقام قهری و یا ارادی) صورت می پذیرد نمی توان گفت

کافی دارد، صادرکننده می تواند مطالبه ای را که کوچکترین اختلافی با این شرایط داشته باشد، اجابت نکند و از پرداخت آن امتناع ورزد.» (ریچارد دریس کول: «نقش اعتبارنامه های تضمینی در تجارت بین المللی»، ترجمه دکتر محبی، مجله حقوقی، شماره ۱، ص ۱۴۶).

که مطالبه ضمانتنامه توسط شخص غیرذینفع صورت گرفته است و لذا بانک تکلیفی در برابر اشخاص غیرذینفع ندارد. و برعکس، رویه جاری بین المللی نشان می‌دهد که بانکها عملاً، در موارد متعدد، مطالبه توسط اشخاص ثالث را به عنوان مطالبه ضمانتنامه توسط ذینفع تلقی می‌کنند. به همین جهت مسأله تمایز مطالبه ضمانتنامه و استحقاق ذینفع را می‌توان در ضمانتنامه‌های بین المللی نیز مشاهده کرد:

در دنیای امروز، بانکداری بین المللی برای تسهیل و تسریع در امر تجارت بین المللی، و سهولت دسترسی ذینفع به مراجع بانکی، سیستمی به نام ضمانتنامه‌های متقابل<sup>۱۳</sup> را طراحی و ابداع کرده است. اساس این سیستم بدین ترتیب است که ضمانتخواه با مراجعه به یکی از بانکهای مورد اعتماد خود تقاضای صدور ضمانتنامه بانکی با مشخصات مورد نظر می‌نماید. آن بانک هم از یکی از بانکهای کارگزار خود در کشور متبوع طرف دیگر قرارداد درخواست می‌کند تا در ازای ضمانتنامه‌ای که او صادر خواهد کرد ضمانتنامه‌ای با همان مشخصات و با مسئولیت و ریسک آن بانک خارجی صادر کند و در اختیار ذینفع قرار دهد. مثلاً فرض شود که بین شرکت ایرانی «الف» و یک شرکت تجاری انگلیسی به نام «ب» قراردادی به منظور تولید و فروش یک خط تولید ماشین آلات نساجی منعقد می‌شود. از جمله شرایط این قرارداد پرداخت ۲۵ درصد مبلغ آن در ابتدای قرارداد و قبل از تحویل ماشین آلات به عنوان پیش‌پرداخت<sup>۱۴</sup> توسط خریدار است. به موجب این قرارداد، خریدار می‌بایستی مبلغ معتناهی را در ابتدای کار و قبل از تحویل ماشین آلات موضوع قرارداد به طرف مقابل بپردازد. بنابراین، طبیعی است که او هم متقابلاً درخواست کند که فروشنده، در ازای دریافت مبلغ پیش‌پرداخت، ضمانتنامه‌ای با همان مبلغ تهیه کند و در اختیار او گذارد تا در صورت عدم ایفای تعهداتش از آن استفاده نماید. به همین جهت، شرکت فروشنده انگلیسی با مراجعه به یکی از بانکهای

13. Counter Guarantee Bonds

14. Advanced payment

کشور متبوع خود (مانند نشنال وست مینستر بانک) تقاضای صدور ضمانتنامه بانکی با مشخصات مورد نظر را می‌کند. بانک وست مینستر هم از یک بانک ایرانی (مثلاً بانک ملی) درخواست می‌کند که این بانک در ازای ضمانتنامه‌ای که وست مینستر صادر می‌نماید<sup>۱۵</sup>، با مسؤولیت وی، ضمانتنامه‌ای با همان مشخصات صادر کند<sup>۱۶</sup> و آن را در اختیار ذینفع، یعنی شرکت ایرانی «الف»، قرار دهد. معمولاً در این گونه موارد بانکهای خارجی، پس از ذکر مشخصات ضمانتنامه مورد نظر، در انتهای آن تصریح می‌کنند:

«... در ارتباط با صدور ضمانت مطابق با مشخصات مورد درخواست ما توسط بانک شما، بدین وسیله ما متعهد هستیم که مبلغ ضمانت ... معادل ... درصد از مبلغ کل قرارداد مبنای صدور را به محض وصول اولین درخواست شما بدون هیچ گونه نیاز به اثبات امری و یا اتخاذ اقدامات قضایی به شما بپردازیم مشروط بر آنکه به همراه درخواست مطالبه، مدارک مشروحه ذیل را برای ما ارسال دارید:

«... ۱ ... ۲ ... ۳ ... ۴ ... و ...»

بدین ترتیب، در این مثال ساده مشاهده می‌شود که خریدار ایرانی به جای تماس با بانک خارجی (وست مینستر) مستقیماً با یکی از بانکهای کشور خود در تماس است و هرگونه تغییر یا اصلاح یا تمدید مهلت اعتبار و یا مطالبه ضمانتنامه را، نه به طور مستقیم و بی واسطه بلکه از طریق بانک کارگزار ایرانی، انجام می‌دهد<sup>۱۷</sup> و این امر به مفهوم آن است که در سیستم

15. Counter Gurantee  
16. The Initial Gurantee

۱۷. بند ۳ ماده ۷ مقررات متحد الشکل برای ضمانت قراردادهای در مورد تغییر در ضمانتنامه اشعار داشته است: «... هر تغییری که ضمانت کننده در شرایط و مواد ضمانتنامه بدهد، تنها در صورتی قابل اجرا خواهد بود که، چنانچه مربوط به ذینفع باشد، ذینفع با آن موافقت کند، و در صورتی که مربوط به ضمانتخواه یا دستوردهنده باشد، با تغییر مزبور موافقت کرده باشد.» (مقررات متحد الشکل برای ضمانت قراردادهای، نشریه شماره ۳۲۵ اطلاق بازرگانی بین المللی).

بین المللی ضمانتنامه های متقابل، مسأله مطالبه ضمانتنامه از مسأله استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ ضمانتنامه، مقوله ای جداگانه و متفاوت است. به عبارت دیگر، از نظر حقوقی همان گونه که ذینفع می تواند خود شخصاً اقدامات مربوط به مطالبه را انجام دهد به همان طریق هم می تواند این گونه امور را از طریق اشخاص ثالث انجام دهد، و لذا تفسیر قاعده عرفی بانکی بدین مضمون که: «مطالبه باید توسط ذینفع انجام گیرد...» به نحو کلی و مطلق صحیح نیست بلکه در موارد بسیاری می توان ذینفع را مستحق دریافت مبلغ ضمانتنامه دانست، هرچند که او شخصاً ضمانتنامه را مطالبه نکرده باشد. از آن جمله می توان موارد حجر، ورشکستگی، بیماری، فوت و... ذینفع را برشمرد که در این گونه موارد قائم مقام قانونی او می تواند مطالبه را، با رعایت شرایط مندرج در متن ضمانتنامه، به عمل آورد و استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ آن را فعلیت بخشد.

آثار حقوقی تمایز مطالبه ضمانتنامه و استحقاق ذینفع در موارد اختلاف بانکها در رابطه با پرداخت ضمانتنامه های متقابل بین المللی بانکی نیز آشکار می گردد. زیرا بانکهای خارجی صادرکننده ضمانتنامه متقابل در موارد بسیاری از اجابت درخواست مطالبه ضمانتنامه امتناع می کنند و غالباً برای توجیه امتناع خود به استدلالهایی متوسل می شوند که اکثر آنها بر مبنای دیدگاه «وجود رابطه علت و معلولی فیما بین مطالبه ضمانتنامه و استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ آن» قرار دارد. از جمله، ممکن است آنان در توجیه رد مطالبه ضمانتنامه استدلال نمایند:

— مطالبه ضمانتنامه توسط شخص غیر ذینفع انجام گرفته است.

زیرا تنها شخص ذینفع، به عنوان یکی از طرفین قرارداد مبنای صدور، از این امتیاز برخوردار بوده و ضمانتنامه به نام او صادر شده است و تنها این شخص ذینفع اصلی به شمار می رود و بانک طرف حساب او (بانک صادرکننده ضمانتنامه پایه)، در واقع، به وکالت و نمایندگی از جانب ذینفع واقعی اقدام می کند. در جایی که موکل انجام اقدامی را توسط وکیل درخواست و یا تجویز نکرده است وکیل قاعدتاً حق ندارد خودسرانه به نام موکل اقدام کند.

لذا، در مانحن فیه، چنین اختیاری برای بانک صادرکننده ضمانتنامه پایه متصور نیست، و بنابراین، ذینفع تلقی نمی‌گردد و استحقاق دریافت آن را ندارد.

— مطالبه ضمانتنامه توسط ذینفع اصلی، مطالبه مبتنی بر سوءنیت<sup>۱۸</sup> و متقلبانه<sup>۱۹</sup> است. زیرا ضمانتخواه تعهداتش را در رابطه با قرارداد مبنای صدور ایفا نموده است. بنابراین، نه ذینفع و نه بانک صادرکننده ضمانتنامه پایه، مجاز به مطالبه ضمانتنامه متقابل نیستند و استحقاق دریافت آن را ندارند.<sup>۲۰</sup>

— مطالبه ضمانتنامه متقابل با شرایط پیش بینی شده در متن آن منطبق نیست. زیرا مفهوم حقوقی واژه «مطالبه» در ضمانتنامه‌های متقابل بدان معنا است که ذینفع ضمانتنامه پایه، تخلف ضمانتخواه را از قرارداد مبنای صدور به بانک طرف حسابش (بانک صادرکننده ضمانتنامه پایه) اعلام و سپس آن بانک هم با اعلام مراتب به بانک خارجی ضمانتنامه متقابل، ضمانتنامه را مطالبه نماید. در حالی که بانک صادرکننده ضمانتنامه پایه، بدون رعایت این شرایط، صرفاً ضمانتنامه متقابل را مطالبه کرده است؛ لذا شرایط مطالبه رعایت نگردیده و استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ ضمانتنامه محقق نشده است.

استدلالهای حقوقی مذکور، در صورتی که در چارچوب قاعده تمایز مطالبه ضمانتنامه و استحقاق ذینفع مورد بررسی قرار گیرد، متکی بر واقعیتهای حقوقی و مکانیسم اجرایی ضمانتنامه‌های بین‌المللی بانکی نیست و غالباً غیرمنطقی و ناموجه است. زیرا:

اولاً، ضمانتنامه متقابل و ضمانتنامه پایه دو نهاد حقوقی مستقل هستند که رابطه علت و معلولی چندانی با هم ندارند.<sup>۲۱</sup> ذینفع ضمانتنامه

18. Bad faith

19. fraudulent

20. Journal of Banking Law: Performance bonds as independent underlaking of payments: p. 153. England: 1986.

۲۱. مبنای اصلی این نظریه آن است که بانک صادرکننده ضمانتنامه متقابل با پذیرش کلیه

پایه، در واقع، طرف اصلی قرارداد مبنای صدور است و ذینفع ضمانتنامه متقابل، بانک صادرکننده ضمانتنامه پایه. بنابراین، بانک صادرکننده ضمانتنامه پایه به عنوان ذینفع، از کلیه حقوق متصور برای ذینفع ضمانتنامه های بانکی برخوردار است و می تواند، با رعایت شرایط مربوط به مطالبه، ضمانتنامه متقابل را مطالبه نماید. پس، رابطه بانک صادرکننده ضمانتنامه پایه و ذینفع آن در مورد ضمانتنامه متقابل، رابطه وکیل و موکل نیست. بانک صادرکننده ضمانتنامه پایه حق دارد ضمانتنامه متقابل را، در واقع، از جانب خود - و نه از جانب دیگری - مطالبه نماید و لذا مطالبه ضمانتنامه در این گونه موارد از جانب خود ذینفع به عمل می آید و نه شخص غیر ذینفع.

ثانیاً، همان گونه که گفته شد ضمانتنامه پایه و ضمانتنامه متقابل دو تأسیس مستقل و متمایز حقوقی به شمار می روند. بنابراین، حتی اگر ذینفع ضمانتنامه پایه آن را با سوء نیت مطالبه کرده و مطالبه او متکی بر مانورهای متقلبانه باشد، با وجود این، ثقل وی تأثیری در حقوقی که بانک صادرکننده ضمانتنامه پایه به عنوان ذینفع ضمانتنامه متقابل دارد، نخواهد داشت. زیرا این بانک می تواند ضمانتنامه متقابل را مستقلاً مطالبه نماید، مضاف بر آنکه اطلاق قاعده معروف استقلال اعتبارات اسنادی و ضمانتنامه های بانکی از قراردادها و معاملات مبنای صدورشان اقتضا دارد که مطالبه ضمانتنامه متقابل، صرف نظر از اختلافاتی که ممکن است در مورد قرارداد مبنای صدور فیما بین ضمانتخواه و ذینفع ضمانتنامه پایه وجود داشته باشد، محترم شمرده شود.

ثالثاً، استقلال حقوقی ضمانتنامه متقابل از ضمانتنامه پایه در تمامی



مسئولیتها تعهد نموده که در صورت مطالبه ضمانتنامه توسط ذینفع (بانک صادرکننده ضمانتنامه پایه) مبلغ آن را به او بپردازد، در حالی که بانک صادرکننده ضمانتنامه پایه در مقابل شخص دیگری تعهد است. بنابراین، هم ضامن و هم ذینفع در هر دو ضمانتنامه پایه و متقابل متفاوت اند و، در واقع، تعهد بانک خارجی صادرکننده ضمانتنامه متقابل پشتوانه تعهد بانک صادرکننده ضمانتنامه پایه است.



اجزاء و عناصر آن، و از جمله در مکانیزم مطالبه آنها، ساری و جاری است. به عبارت دیگر، سیستم ضمانتنامه متقابل بدان مفهوم نیست که ذینفع ضمانت متقابل بایستی برای مطالبه آن دقیقاً شرایط مربوط به مطالبه را رعایت نماید بلکه اگر او مطالبه ضمانتنامه متقابل را در چارچوب متن صادره توسط بانک خارجی معمول دارد در استحقاق وی به دریافت مبلغ ضمانتنامه نباید تردید داشت. به عنوان مثال، اگر اعتبار ضمانتنامه متقابل نامحدود و اعتبار ضمانتنامه پایه محدود به مدت معینی باشد، بانک صادرکننده ضمانتنامه متقابل نمی‌تواند به این بهانه که اعتبار ضمانتنامه پایه به اتمام رسیده است از پرداخت آن امتناع نماید زیرا، به هر حال، مطالبه ضمانتنامه پایه در مدت اعتبار آن به عمل آمده است. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که در سیستم بین‌المللی ضمانتنامه‌های بانکی، مسأله مطالبه و استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ ضمانتنامه دو موضوع متمایزند. این موضوع در اعتبارنامه‌های تضمینی، که یکی از انواع تضمینات بانکی به شمار می‌رود، نیز صادق است.<sup>۲۲</sup> کما اینکه در دعوی کمپانی «بل» به خواسته صدور دستور مبنی بر منع «هانور تراست بانک» از پرداخت مبلغ اعتبارنامه تضمینی مستند دعوی به وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران (که به جای دولت شاهنشاهی سابق اعتبارنامه تضمینی صادره بانک هانور تراست را مطالبه کرده بود) قاضی مک ماهون ادعای مطالبه اعتبارنامه توسط غیرذینفع را با این استدلال که در تاریخ تقدیم دادخواست دولت امریکا دولت جدید ایران را به رسمیت شناخته است، پس دولت جدید ذینفع واقعی اعتبارنامه تضمینی تلقی می‌گردد، مردود اعلام کرد.<sup>۲۳</sup>

با توجه به مطالبی که در مورد تفکیک و تمایز مطالبه ضمانتنامه و

۲۲. در مورد اعتبارنامه‌های تضمینی مراجعه شود به: «نقش اعتبارنامه‌های تضمینی در تجارت بین‌المللی»، ترجمه دکتر محبی، مجله حقوقی، شماره ۱.

۲۳. همان مأخذ، ص ۱۴۲. همچنین مراجعه شود به:

Balfour Maclaine: In't v. Manufacturers Hanover Trust, No. 20801-78 (Sup. et. N.Y. Co. Apr. 16, 1979) 9 Harris Corp v. Bank Melli Iran, No. 79 Civ. 56. (M.D.L.I. Mar. 22, 1979), Pan American v. Bank Melli No. 79 Civ 1190. (S.D.N.Y. Apr. 1979).

استحقاق ذینفع گفته شد می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. هرچند برحسب عرف بانکداری بین‌المللی، ذینفع ضمانتنامه شخصی است که نام او در متن ضمانتنامه به‌عنوان ذینفع قید شده و حق مطالبه ضمانتنامه را دارد، با این حال، حق مطالبه از حقوق مختص و قائم به شخص ذینفع نیست و ذینفع می‌تواند مطالبه را به‌غیر واگذار نماید. به عبارت دیگر، مطالبه توسط ذینفع از ارکان تشکیل دهنده استحقاق او به دریافت مبلغ ضمانتنامه نیست.

۲. این موضوع در مواردی که ذینفع به‌علت موانع قانونی قادر به مطالبه ضمانتنامه نمی‌باشد نیز جاری است. بنابراین، ولی قانونی ذینفع صغیر و یا قائم مقام قانونی ذینفع محجور و یا مدیر تصفیه ذینفع ورشکسته حق مطالبه ضمانتنامه از طرف ذینفع را دارند.

۳. تغییرات عمومی در وضعیت ذینفع، مانند جایگزینی یک شرکت یا مؤسسه جدید به جای شخصیت حقوقی ذینفع، تأثیری در مطالبه و تعهد بانک ضامن نخواهد داشت.

#### ب. استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ ضمانتنامه

از مباحثی که تاکنون صورت گرفت می‌توان استنباط کرد که از دیدگاه عرف بانکداری بین‌المللی ذینفع شخصی تلقی می‌گردد که نام و مشخصات او در متن سند ضمانتنامه قید شده باشد و بتواند در صورت لزوم، ضمانتنامه را در مهلت مقرر و با رعایت شرایط مربوط مطالبه نماید. همچنین، مشخص شد که ذینفع می‌تواند «مطالبه» را شخصاً و یا مع الواسطه دیگری انجام دهد. اما مهمترین مسأله در مورد ضمانتنامه‌های بین‌المللی بانکی استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ ضمانتنامه است. همان‌گونه که قبلاً گفته شد، بانک با صدور ضمانتنامه در مقابل ذینفع متعهد می‌شود تا در صورتی که ذینفع در مهلت اعتبار ضمانتنامه، تخلف ضمانتخواه (به‌عنوان متعهد اصلی قرارداد مبنای صدور) از تعهداتش را به بانک اعلام و

ضمانتنامه را با رعایت شرایط مربوط مطالبه نماید، مبلغ ضمانتنامه را به ذینفع بپردازد.<sup>۲۴</sup> بحث اصلی و مورد اختلاف در این مورد آن است که آیا تخلف ضمانتخواه از اجرای قرارداد مبنای صدور ضمانتنامه، در واقع، شرط اصلی تحقق استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ ضمانتنامه است؟ به عبارت دیگر، آیا ضمانتخواه بایستی واقعاً از قرارداد مبنای صدور تخلف کرده باشد تا ذینفع حق مطالبه و دریافت مبلغ ضمانتنامه را داشته باشد<sup>۲۵</sup>، یا صرف مطالبه ضمانتنامه در مهلت اعتبار آن، بانک صادرکننده ضمانتنامه را مکلف می‌سازد که، صرف نظر از واقعیت یا عدم واقعیت تخلف ضمانتخواه، مبلغ ضمانت را به ذینفع پرداخت نماید؟

در پاسخ به این پرسش دو عقیده مشهور وجود دارد:

اول. به عقیده گروه نخست، مبنای اصلی تعهد بانک در ضمانتنامه، تضمین ذینفع در مقابل زیان‌هایی است که امکان دارد از تخلف و پیمان شکنی ضمانتخواه از شرایط قرارداد مبنای صدور ضمانتنامه متوجه او گردد. در جایی که ضمانتخواه از تعهداتی که به موجب قرارداد مبنای صدور ضمانتنامه برعهده گرفته است، تخلف نکرده باشد، چگونه می‌توان گفت صرف اعلام تخلف و مطالبه ضمانتنامه توسط ذینفع، تعهد بانک را از حالت بالفعل به حالت بالقوه درمی‌آورد؟

قید شرط اعلام تخلف ضمانتخواه در متن سند ضمانتنامه برای مطالبه آن، بدین مفهوم است که ذینفع زمانی استحقاق دریافت مبلغ

24. F.M. Ventris: Banker's documentry credits; Gurantees and Performance Bonds, p. 133. 1983 England; Janathan Fisher: Construction of Contract of a Gurantee. Legal Analysis, pub: Journal of Bankig Law. England, 1979.

۲۵. دادستان کل کشور در سال ۱۳۴۶ در مورد ضمانتنامه و استحقاق ذینفع چنین اظهار داشته است: «ضمانتنامه منعقد فیما بین ... و بانک تهران، هم از لحاظ قواعد مربوط به تعهد و هم از حیث قواعد مربوط به ضمان باطل می‌باشد. از لحاظ موازین ضمان، طبق ماده ۶۱۹ قانون مدنی، ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده باطل است و چون در موقع تنظیم ضمانتنامه بانکی هنوز تخلفی به منصفه ظهور نرسیده، ضمانت بدون داشتن سبب منعقد شده و بنابراین باطل است...» (آرشیو حقوقی کیهان، مجموعه رویه قضایی سال ۱۳۴۶، ص ۲۱۵).

ضمانتنامه را پیدا خواهد کرد که ضمانتخواه واقعاً از ایفای تعهداتی که در مقابل ذینفع برعهده گرفته است خودداری و تخلف ورزیده باشد، وگرنه باید بپذیریم که ضمانتنامه عملاً وسیله و ابزاری خواهد بود در اختیار ذینفع که می‌تواند هر لحظه از آن به زیان ضمانتخواه سوء استفاده کند و غیر عادلانه مبالغی را تصاحب نماید که واقعاً استحقاق مالکیت آن را ندارد.

بنا بر این عقیده، مسأله استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ ضمانتنامه را می‌بایستی در چارچوب رابطه حقوقی ضمانتخواه و ذینفع، رابطه ضمانتخواه و بانک صادرکننده ضمانت و رابطه ذینفع و بانک صادرکننده ضمانتنامه مطرح نظر قرار داد.<sup>۲۶</sup>

دوم. عقیده گروه دوم کاملاً مخالف با عقیده گروه اول است. براساس استدلال این گروه، در تجارت بین‌المللی، ضمانتنامه بانکی سندی است معتبر برای تضمین تعهدات قراردادی افراد. اصل سرعت و سهولت در تجارت بین‌المللی اقتضا دارد که ذینفع، سندی را در اختیار داشته باشد که به آسانی بتواند ضرری را که از پیمان‌شکنی احتمالی ضمانتخواه به او وارد می‌شود از محل آن جبران نماید و نیازی به انجام اقدامات قضایی در کشورهای بیگانه و تحمل هزینه‌های سنگین آن و نیز دل بستن به امید واهی پیروزی و حاکمیت در این گونه دعاوی مشکل را نداشته باشد. این مطلب بدان مفهوم است که اگر ما استحقاق ذینفع در رابطه با تعهد بانک ضامن را منوط و مشروط به احراز تخلف واقعی ضمانتخواه از تعهداتش توسط بانک بدانیم لاجرم باید بپذیریم که بانکها

۲۶. به عقیده بعضی از نویسندگان امریکایی قاعده استقلال اعتبارات از قراردادهای مبنای صدور در ضمانتنامه‌های بانکی جاری نیست، بلکه ضمانتنامه نسبت به قرارداد اصلی جنبه تبعی و فرعی دارد. لذا به عقیده این عده ماهیت تبعی ضمانتنامه، بانک صادرکننده را ناچار خواهد ساخت تا به منظور احراز و اثبات تخلف ضمانتخواه علاوه بر اسناد و مدارک ارائه شده توسط ذینفع، خود به تحقیق دست‌زند و واقعیت را احراز نماید... (در این مورد مراجعه شود به ریچارد دریس کول: همان مأخذ، ص ۱۳۶).

بتوانند به کوچکترین بهانه از اجابت درخواست مطالبه ذینفع خودداری کنند و مبلغ ضمانتنامه را به او پرداخت نمایند<sup>۲۷</sup>، و این مطلب کاملاً برخلاف فلسفه وجودی ضمانتنامه های بانکی است و اسناد بانکی را عملاً به صورت اسناد بی ارزشی در می آورد. علاوه بر این، مسأله واقعیت یا عدم واقعیت تخلف ضمانتخواه را صرفاً بایستی در چارچوب رابطه قراردادی ضمانتخواه و ذینفع (قرارداد مبنای صدور) بررسی کرد:

اعلام تخلف ضمانتخواه به بانک توسط ذینفع، ممکن است مبتنی بر واقعیتهای مسلم حقوقی و یا مبتنی بر کذب باشد. این موضوع، فی نفسه، ارتباطی با بانکهای صادرکننده ضمانتنامه ندارد. اصولاً بانکها از نظر تشکیلاتی و وظایف بین المللی خود، نمی توانند و نبایستی با مداخله در حوزه روابط قراردادی ذینفع و ضمانتخواه، صحت و یا سقم ادعای ذینفع ضمانتنامه در مورد تخلف ضمانتخواه را بررسی و احراز نمایند. این امر بانکها را در درگیریها و اختلافات تجاری مشتریان وارد ساخته، در تبعات سوء ناشی از این گونه اختلافات سهیم می کند. بنا بر عقیده گروه دوم، از جهت حقوقی نیز استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ ضمانتنامه، به صرف اعلام تخلف ضمانتخواه و مطالبه ضمانت با رعایت شرایط مربوط، در مدت اعتبار آن محقق می شود. زیرا بانک به موجب متن سند ضمانتنامه در مقابل ذینفع متعهد شده است که اگر ذینفع ضمانتنامه را از بانک مطالبه کند بانک مبلغ ضمانتنامه را به او بپردازد. لذا با رعایت این شرایط توسط ذینفع، تعهد بانک قطعی و منجز خواهد شد.

با توجه به استدلال دو گروه در مورد استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ ضمانتنامه، عقیده گروه دوم در مقایسه با عقیده گروه اول، بیشتر متکی بر واقعیتهای حقوقی است و با بافت و مکانیزم ضمانتهای بین المللی بانکی سازگاری بیشتری دارد. زیرا اگر اجرای تعهد بانک در ضمانتنامه مشروط به احراز و اثبات تخلف ضمانتخواه باشد دیگر چه نیازی به استفاده

27. Nelson: How to make a standby letter of credit worth more than the paper written on. Pub: J.B.L. England 1989.

از ضمانتنامه بانکی است؟ ذینفع می‌تواند همین مقصود را نیز از طریق اقدامات قضایی یا اداری برآورده سازد. بعلاوه، از نظر حقوقی نیز نظریه گروه دوم بیشتر مقرون به واقع به نظر می‌رسد زیرا:

اولاً، از نظر روابط حقوقی اشخاص ذیربط در ضمانتنامه، رابطه حقوقی ذینفع و بانک صادرکننده ضمانتنامه ارتباط چندانی با رابطه حقوقی بانک و ضمانتخواه ندارد.<sup>۲۸</sup> رابطه حقوقی ذینفع و بانک بدین قرار است که بانک به موجب متن یک سند متعهد شده که به صرف اعلام تخلف ضمانتخواه و مطالبه ضمانتنامه توسط ذینفع، مبلغ معینی را به او بپردازد. بانک بایستی این تعهد و رابطه حقوقی خود با ذینفع را محترم شمارد، و در صورت رعایت شرایط مطالبه توسط ذینفع، مبلغ آن را به او بپردازد. بانک با پرداخت مبلغ ضمانتنامه به ذینفع، حتی اگر ادعای وی واقعیت نداشته باشد، زیانی را متحمل نمی‌شود؛ او، براساس قراردادی که با ضمانتخواه منعقد می‌سازد، مبلغ ضمانتنامه و نیز کارمزد بانکی آن را از ضمانتخواه می‌ستاند. پس، در واقع، در موارد مطالبه متقلبانه، این ضمانتخواه است که متضرر می‌شود نه بانک. نهایت آنکه در مواردی که ذینفع ضمانتنامه را متقلبانه مطالبه کرده باشد ضمانتخواه می‌تواند با اثبات این موضوع، از طریق اقدامات قضایی مانع پرداخت ضمانتنامه به ذینفع گردد.<sup>۲۹</sup>

ثانیاً، به عقیده بسیاری از حقوقدانان بین‌المللی، موقعیت تعهد بانک در ضمانتنامه‌های بانکی مشابه تعهد بانک در اعتبارات اسنادی است. در

۲۸. واقعیت آن است که در مکانیسم ضمانتنامه‌های بانکی، ذینفع هیچ‌گونه رابطه قراردادی با بانک صادرکننده ضمانتنامه ندارد. ذینفع فقط از موضوع قراردادی که فیما بین ضمانتخواه و بانک منعقد می‌گردد منتفع خواهد شد. موضوع این قرارداد ایجاد تعهد به نفع ذینفع معین از طریق صدور ضمانتنامه بانکی است. با صدور این ضمانتنامه بانک، صرف نظر از قراردادی که بین او (بانک) و ضمانتخواه وجود دارد، در مقابل ذینفع به مدت زمان معینی متعهد می‌گردد که تحت شرایط خاصی مبلغ ضمانتنامه را به او بپردازد.

۲۹. در این مورد رجوع شود به مقاله «تقلب در معاملات موضوع اعتبارات اسنادی و ضمانتنامه‌های بین‌المللی»، مجله حقوقی، شماره ۲، ص ۵۳.

اعتبارات اسنادی، بانک گشایشگر اعتبار متعهد است در صورت رعایت شرایط مطالبه توسط ذینفع مبلغ اعتبار را، صرف نظر از اختلافاتی که ممکن است فیما بین دستوردهنده و ذینفع اعتبار موجود باشد، به او پردازد.<sup>۳۰</sup> و همان گونه که می‌دانیم ماده ۳ مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی، در مورد قاعده تفکیک اعتبار از قراردادها و معاملات مبنای صدورشان، صراحتاً اشعار داشته است:

«اعتبار از قراردادهای فروش و سایر قراردادهایی که ممکن است مبنای اعتبار قرار گیرد فی نفسه معامله جداگانه‌ای است و به هیچ طریقی ارتباط به بانکها نداشته و بانکها تعهدی نسبت به چنین قرارداد یا قراردادها ندارند، حتی اگر در متن اعتبار به نحوی به چنین قرارداد یا قراردادها اشاره شده باشد...»<sup>۳۱</sup>

بر مبنای این امر، یکی از نویسندگان انگلیسی در مورد ماهیت تعهد بانک در ضمانتنامه گفته است:

«ضمانتنامه‌های بانکی عندالمطالبه اسناد تجاری معتبری هستند که به محض مطالبه قابل پرداخت می‌باشند.<sup>۳۲</sup> در نتیجه، تا آن حد که به رابطه ذینفع و بانک مربوط می‌شود بانک متعهد است، به محض مطالبه مبتنی بر حسن نیت ذینفع، مبلغ ضمانتنامه را به او پردازد. و از آنجایی که بانکها عمدتاً از لحاظ طبیعت کاریشان در موقعیتی هستند که امکان اثبات مطالبه متقلبانه یا مطالبه با سوء نیت برایشان مقدور

۳۰. بند «الف» ماده ۱۰ مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی در این مورد مقرر داشته است: «... اعتبار غیرقابل بازگشت برای بانک گشایشگر اعتبار در صورتی که اسنادی که در متن اعتبار معین گردیده است، ارائه شده و مواد و شرایط اعتبار رعایت شده باشد، تعهد قطعی به وجود می‌آورد...».

۳۱. ماده ۳ مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (U.C.P.)، نشریه شماره ۴۰۰ اطاق نازرگانی بین‌المللی، ۱۹۸۴، پاریس.

32. Encyclopedia of Banking Law, p. 218, No. 822.

نیست لذا، به طریق اولی، مجبور به پرداخت مبلغ ضمانتنامه به ذینفعی خواهند بود که، حسب ظواهر امر، مطالبه او با شرایط مندرج در متن ضمانتنامه مطابقت دارد...»<sup>۳۳</sup>

با توجه به این اظهار نظر، تعهد بانک در ضمانتنامه‌ها ارتباط علت و معلولی چندانی با واقعیت یا عدم واقعیت تخلف ضمانتخواه ندارد. ثالثاً، در رویه قضایی بسیاری از کشورها مسأله استقلال ضمانتنامه‌های بین‌المللی بانکی از معاملات و قراردادهای مبنای صدور آنها پذیرفته شده است و مراجع قضایی صرف مطالبه ضمانتنامه با رعایت شرایط مربوط را در فعلیت استحقاق ذینفع کافی می‌دانند. البته، این موضوع به معنای انکار آن دسته از آراء محاکم خارجی، که به راحتی اصل استقلال ضمانتنامه‌های بانکی را نادیده می‌گیرند، نیست. این قبیل آراء، بیش از آنکه از مبنای صحیح حقوقی برخوردار باشند، بیشتر متأثر از جریان‌ات خاص سیاسی اند، که خود مقوله جداگانه‌ای است. به هر حال، از جمله مشهورترین این آراء، رأی است که به وسیله قاضی لرد دینگ<sup>۳۴</sup> در دعوی معروف ادوارد اون<sup>۳۵</sup> صادر شده است. خلاصه دعوی مزبور بدین قرار است که در سال ۱۹۸۶ قراردادی بین فروشنده انگلیسی به نام ادوارد اون و خریدار لیبیایی به منظور خرید خانه‌های پیش ساخته منعقد و مقرر گردید که مبلغ معامله از طریق اعتبار اسنادی غیرقابل برگشت تأیید شده<sup>۳۶</sup> به فروشنده پرداخت شود. همچنین، توافق شده بود که بیست درصد از مبلغ معامله در ابتدا به عنوان پیش پرداخت و در قبال ارائه ضمانتنامه بانکی، توسط فروشنده به او پرداخت شود. ضمانتنامه مورد نظر به صورت ضمانتنامه متقابل از طریق بانک بارکلی

33. Graham Penn: On Demand Bonds: Primary or Secondary Obligations, Journal of Banking Law, p. 227, England, 1986.

34. Lord Ding

35. Edward Owen Engineering Ltd. Co. v. Barclays Bank International 1971 AUER 976, Encyclopedia of Banking, Law, p. 277, pub. Crosswell publication Co., England, 1983.

36. Confirmed and Irrevocable letter of credit



انگلیس صادر و توسط بانک اُمّا<sup>۳۷</sup> در بن‌غازی به ذینفع ابلاغ گردید، اما اعتبار اسنادی موضوع معامله به صورت تأیید نشده گشایش یافت. لذا فروشنده انگلیسی بدین امر اعتراض کرد و تعهدات خود را به حالت تعلیق درآورد. خریدار نیز، به عنوان ذینفع، ضمانتنامه را مطالبه نمود.

فروشنده با طرح دعوی خواستار صدور دستور منع بانک از پرداخت مبلغ ضمانتنامه به ذینفع، به علت مطالبه متقلبانه، شد. در این دعوی، نهایتاً، قاضی لرد دینگ چنین رأی داد:

«ضمانتنامه‌های بانکی غیرمشروط حسن انجام تعهد<sup>۳۸</sup> از نظر حقوقی در موقعیتی شبیه به اعتبارات اسنادی قرار گرفته‌اند. بانکی که چنین ضمانتنامه‌ای را صادر کند باید، حسب شرایط مندرج در متن، آن را محترم شمارد و به هیچ وجه نمی‌تواند در رابطه فیما بین فروشنده و خریدار وارد گردد. بنابراین، در این دعوی بانک بارکلی بایستی مبلغ ضمانتنامه را، براساس شرایط مندرج در متن آن، بدون نیاز به اثبات هیچ گونه امری توسط ذینفع به او پرداخت نماید...»<sup>۳۹</sup>

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این دعوی، قاضی انگلیسی بدون توجه به اختلافی که در دعوی مورد بحث فیما بین فروشنده (ضمانتخواه) و خریدار (ذینفع) در مورد معامله وجود داشته و در واقع خریدار به علت عدم ایفای تعهدات قراردادی، حق مطالبه ضمانتنامه را نداشته است، رأی داده که بانک بایستی مبلغ ضمانتنامه را به ذینفع بپردازد، و این امر به مفهوم آن است که از نظر این مرجع قضایی صرف مطالبه منطبق با شرایط ضمانتنامه، در فعلیت استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ آن کفایت می‌کند.<sup>۴۰</sup>

۳۷. Umma Bank

۳۸. Unconditional good performance Bonds

۳۹. همان مأخذ، ص ۲۲۷، شماره ۵۱۱.

۴۰. تنها استثنایی که بر اصل مزبور وارد آمده، مطالبه متقلبانه و با سوء نیت است. چنانکه

دادگاه عالی پنسیلوانیا در دعوی «Intraward Industries» به طرفیت «Hanover Trust Bank» اشعار داشته است: «به نظر ما اوضاع و احوالی که می‌تواند صدور قرار منع پرداخت را توجیه و ایجاب نماید بایستی منحصرأ محدود به مواردی از ثقلب شود که در آنها ثقلب ذینفع

رابعاً، اگر در مورد استقلال ضمانتنامه های بانکی به مفهوم خاص<sup>۴۱</sup> هنوز این تردید وجود داشته باشد که آیا نهاد مستقلی از قرارداد مبنای صدورشان هستند یا خیر، در مورد اعتبارنامه های تضمینی - که، در واقع، نوعی ضمانتنامه بین المللی بانکی در قالب اعتبارات اسنادی به شمار می روند - این شک و تردید بی مورد است. زیرا ماده ۱ مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی اعتبارنامه های تضمینی را مشمول رژیم حقوقی اعتبارات اسنادی قرار داده است و همان گونه که قبلاً گفته شد به موجب ماده ۳ مقررات مورد اشاره، اعتبارات اسنادی و از جمله اعتبارنامه های تضمینی، از قراردادها و معاملات مبنای صدورشان مستقل هستند و این قراردادها هیچ ارتباطی به بانکها ندارند.

بدین ترتیب، مجموعه این استدلالهای حقوقی به خوبی این استنباط را به دست می دهد که استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ ضمانتنامه ارتباط چندانی با واقعیت یا عدم واقعیت تخلف ضمانتخواه ندارد و تنها صرف مطابقت منطبق با شرایط، در فعلیت استحقاق ذینفع کفایت می کند.

اما با وجود این، پذیرش این نظریه به نحو مطلق و کلی، لا اقل در مورد ضمانتنامه های مشروط<sup>۴۲</sup>، صحیح نیست. بحث پیرامون ضمانتنامه های مشروط و غیر مشروط بحثی طولانی و مفصل است، اما اجمالاً شایان ذکر است که مکانیزم مطالبه ضمانتنامه های مشروط به گونه ای طراحی شده که ذینفع عملاً زمانی قادر به مطالبه ضمانتنامه

آنچنان کل معامله را فاسد کرده است که جایی برای اجرای اصل مشروع و معتبر جدایی تعهد صد درکننده ضمانتنامه از قرارداد اصلی باقی نمانده باشد. وظیفه مشخص دادگاه انصاف عبارت است از تضمین اینکه ذینفع مجاز نباشد از موقعیت استفاده غیر شرافتمندانه ای بنماید و صرفاً بر اساس پروفرمایی که هیچ گونه اساس واقعی ندارد، پول دستوردهنده را به جیب بزند...» (ریچارد دریس کول: همان مأخذ، ص ۱۵۱).

۴۱. اصطلاح ضمانتنامه بانکی به مفهوم خاص (Bank Letter of Guarantee Bonds) در مقابل اصطلاح اعتبارنامه های تضمینی (Stand by Letter of Credit) استعمال شده است.

42. Conditional Guarantees Bonds

خواهد بود که ضمانتخواه واقعاً از تعهداتش تخلف کرده باشد. بنابراین، تعهد بانک در ضمانتنامه‌های مشروط تعهدی وابسته به قرارداد مبنای صدور است و ذینفع زمانی استحقاق دریافت مبلغ ضمانتنامه را خواهد داشت که ضمانتخواه تعهداتی را که برعهده گرفته است ایفا نکند.

از مجموع مطالبی که در مورد مسأله استحقاق ذینفع در ضمانتنامه‌های بین‌المللی بانکی گفته شد کاملاً می‌توان بدین نتیجه دست یافت که فعلیت استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ ضمانتنامه منوط است به رعایت دقیق شرایط مطالبه و نه لزوماً تخلف واقعی ضمانتخواه از قرارداد مبنای صدور. به عبارت دیگر، اختلاف فی‌مابین ذینفع و ضمانتخواه در مورد اجرای قرارداد مبنای صدور، تأثیری در تعهداتی که بانک به موجب صدور ضمانتنامه برعهده می‌گیرد ندارد، بلکه ضمانتخواه بایستی ادعای خود را از طریق اقدامات قضایی به اثبات رساند.



## انتقال حقوق ذینفع ضمانتنامه

همان‌گونه که گفته شد ذینفع متعاقب صدور ضمانتنامه دارای حقوقی می‌شود که از آن جمله حق مطالبه ضمانتنامه و حق دریافت و مالکیت مبلغ آن است. این حقوق هرچند تا زمان مطالبه ضمانتنامه و پرداخت عملی مبلغ آن ارزش بالفعل اقتصادی چندانی ندارد اما باید پذیرفت که این حق بالقوه می‌تواند زمانی مالکیت پیدا کند و ارزشمند گردد؛ لذا دارنده چنین حقوقی قاعدتاً بایستی امکان تصرف و یا انتقال آن را داشته باشد.<sup>۴۳</sup> معهذا بافت حقوقی ضمانتنامه‌ها به گونه‌ای است که در

۴۳. بحث و بررسی امکان انتقال قهری یا اداری حقوق ذینفع به منظور اثبات تجاری بودن سند ضمانتنامه نیست بلکه صرفاً بررسی موقعیت ذینفع و حقوق اوست.

بادی امر امکان انتقال چنین حقوقی بعید می‌نماید:

ضمانتخواه به این اعتبار مخارج تهیه صدور ضمانتنامه را متحمل می‌گردد تا بتواند وثیقه معتبر و با ارزشی را برای تضمین تعهداتی که او (ضمانتخواه) به موجب قرارداد مبنای صدور ضمانتنامه در ازای بهره‌وری از حقوق و مزایای آن قرارداد برعهده گرفته است در اختیار ذینفع قرار دهد. ذینفع بایستی زمانی از این وثیقه استفاده نماید که ضمانتخواه واقعاً از قرارداد مبنای صدور ضمانتنامه تخلف نموده و تعهداتش را ایفا نکرده باشد. پس، باید پذیرفت که شخصیت ذینفع و حقوقی که او در قرارداد مبنای صدور ضمانتنامه دارد نقش مهمی در صدور ضمانتنامه داشته است. با این وضعیت، چگونه می‌توان قائل بود که ذینفع از نظر حقوقی قادر است حقوق متصوره خود در ضمانتنامه را به کسی انتقال دهد که هیچ نقشی در قرارداد مبنای صدور نداشته و حقوقی در آن ندارد؟ و یا چگونه می‌توان تصور کرد که این حقوق بالقوه اقتصادی، به طور قهری به اشخاص ثالث منتقل گردد؟ با وجود این، اظهار نظر در مورد عدم امکان انتقال حقوق ذینفع به نحو مطلق و کلی صحیح نیست. باید قائل به تفکیک بود و اظهار نظر در هر مورد را در چارچوب وضعیت خاص حقوقی آن ارائه داد. براین اساس، امکان انتقال حقوق ذینفع در دو مورد انتقال قهری و انتقال ارادی بررسی می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

الف. انتقال قهری حقوق ذینفع ضمانتنامه

در مورد امکان انتقال قهری حقوق ذینفع ضمانتنامه تردید نباید داشت. در تمامی نظامهای حقوقی معاصر پذیرفته شده است که حقوق به طور کلی می‌تواند قهراً به قائم مقام قانونی صاحب حق منتقل گردد. به همین جهت، فوت ذینفع و یا انحلال شخصیت حقوقی او و یا حجر و ورشکستگی و تملک قانونی دارایی وی مانع از انتقال قهری حقوق ذینفع ضمانتنامه به قائم مقام قانونی او نیست و همان گونه که در بحث مطالبه

ضمانتنامه گفته شد مطالبه ضمانتنامه توسط قائم مقام قانونی ذینفع، از نظر موازین حقوق بانکداری بین المللی، مطالبه شخص غیر ذینفع تلقی نمی‌گردد. البته، باید توجه داشت که در موارد انتقال قهری حقوق ذینفع ضمانتنامه در صورتی که ضمانتخواه از طریق اقدامات قضایی اثبات نماید که با زوال شخصیت حقوقی ذینفع و جانشینی قائم مقام قانونی او، حسب شرایط قرارداد مبنای صدور، زمینه تعهدی را که ضمانتخواه به نفع ذینفع برعهده گرفته قانوناً و منطقاً متعذر گشته است، در این صورت، دادگاه می‌تواند حکم به ابطال ضمانتنامه بدهد. مثلاً فرض شود شرکتی، به موجب قرارداد مناقصه، متعهد می‌شود که تجهیزات نظامی خاصی را برای یک دولت خارجی تولید کند و به او بفروشد. شرکت مزبور به همین منظور ضمانتنامه شرکت در مناقصه<sup>۴۴</sup> را تهیه می‌کند و در اختیار دولت مناقصه گذار می‌گذارد. در فاصله اعلام برنده مناقصه و امضای نهایی قرارداد، دولت مناقصه گذار سرنگون و رژیم جدیدی جایگزین آن می‌گردد. دولت متبوع شرکت مورد بحث، ساخت و فروش تجهیزات نظامی موضوع قرارداد را برای دولت جدید ممنوع اعلام می‌کند و بالطبع، در این وضعیت، زمینه مساعدی برای امضای قرارداد وجود نخواهد داشت و لذا موضوع ضمانتنامه مورد بحث هم خود به خود منتفی می‌گردد و دولت جدید نیز به عنوان قائم مقام قانونی ذینفع ضمانتنامه قاعدتاً مجاز به مطالبه آن نیست. اما تشخیص ذینفع مجاز و یا غیرمجاز امری است قضایی و نه اداری. بنابراین، ضمانتخواه بایستی ابطال ضمانتنامه را از طریق اقدامات قضایی پیگیری کند نه توسط بانک صادرکننده ضمانتنامه.

#### ب. انتقال ارادی حقوق ذینفع ضمانتنامه

در مورد انتقال ارادی حقوق ذینفع به نظر می‌رسد در صورتی که این انتقال متضمن انتقال تمامی حقوق متصوره ذینفع در ضمانتنامه و نیز

متضمن انتقال حقوق او در قرارداد مبنای صدور باشد، واجد اشکال خاصی نباشد. به هر حال، در مورد انتقال ارادی حقوق ذینفع ضمانتنامه فروض مختلفی را می‌توان ارائه داد:

اول. ذینفع با موافقت ضمانتخواه حقوق متصوره خود در ضمانتنامه را به شخص ثالثی واگذار می‌کند. این انتقال، در صورتی که به تأیید بانک صادرکننده ضمانتنامه برسد، متضمن اشکال خاصی نیست؛ اما اگر موافقت بانک در این رابطه اخذ نگردد شخص ثالث عملاً قادر نخواهد بود ضمانتنامه را از بانک مطالبه کند.<sup>۴۵</sup> به عبارت دیگر، از نظر حقوقی، امکان نقل و انتقال ضمانتنامه از طرق مختلف مانند ظهرنویسی، بدون جلب نظر موافق بانک صادرکننده ضمانتنامه، وجود ندارد.<sup>۴۶</sup>

دوم. ذینفع، طی قراردادی، حقوق قراردادی خود در قرارداد مبنای صدور را به شخص ثالثی واگذار می‌کند. مثلاً ذینفعی که به موجب قرارداد مبنای صدور، مبلغی را به عنوان پیش پرداخت به ضمانتخواه پرداخته است تا او مجموعه ماشین آلاتی را در کارخانه ذینفع نصب کند، این پروژه را به شرکت دیگری می‌فروشد. در این صورت، ضمانتخواه در مقابل مالک جدید پروژه متعهد خواهد بود. بنابراین، شرکت جدید را می‌توان ذینفع جدید ضمانتنامه دانست و بانک صادرکننده ضمانتنامه قاعداً می‌بایستی در صورت درخواست او، مشروط به ارائه مدارک معتبر و تأیید ضمانتخواه، نام ذینفع ضمانتنامه را در متن سند آن تغییر دهد.

سوم. ذینفع بدون موافقت بانک و ضمانتخواه صرفاً حقوق متصوره خود (بدون انتقال حقوق خود در قرارداد مبنای صدور) در ضمانتنامه را به شخص ثالثی واگذار می‌کند. این انتقال گرچه ممکن است در رابطه ذینفع

۴۵. زیرا این قرارداد فیما بین ذینفع و شخص ثالث منعقد شده و برطبق اصل نسبت قراردادهای (Privity of Contract) آثار قرارداد نمی‌تواند به اشخاص ثالث سرایت نماید مگر در موارد استثنایی.

۴۶. به همین دلیل ضمانتنامه‌های بانکی را نمی‌توان از جمله اسناد تجاری به مفهوم اخص برشمرد.

و شخص ثالث معتبر باشد، اما در رابطه با تعهد بانک در مقابل ذینفع به هیچ وجه واجد اثری نخواهد بود و بانک می‌تواند در صورت درخواست و مطالبه ضمانتنامه توسط شخص ثالث، با این استدلال که او ذینفع اسمی ضمانتنامه نیست<sup>۴۷</sup>، از پرداخت مبلغ ضمانتنامه به وی امتناع نماید. زیرا — همان گونه که گفته شد — در عرف بانکداری اصل کلی آن است که بانکها فقط در مقابل ذینفع اسمی مسؤولیت دارند؛ لذا آثار قراردادی که بین ذینفع و شخص ثالث منعقد شده است نمی‌تواند نسبت به حقوق دیگری مؤثر باشد و به ضرر بانک تفسیر گردد.<sup>۴۸</sup>

#### ● نتیجه

از مجموعه مباحث به عمل آمده در این مقاله می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. در ضمانتنامه‌های بین‌المللی بانکی مسأله مطالبه ضمانتنامه و استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ ضمانتنامه دو مقوله متمایز هستند.
۲. هرچند حسب عرف بانکداری بین‌المللی، مطالبه ضمانتنامه بایستی توسط ذینفع به عمل آید، اما از نظر حقوقی امکان مطالبه ضمانتنامه توسط قائم مقام ذینفع نیز موجود است.
۳. استحقاق ذینفع به دریافت مبلغ ضمانتنامه، لزوماً به معنای اثبات تخلف واقعی ضمانتخواه از تعهداتش نیست، بلکه صرف مطالبه ضمانتنامه با رعایت شرایط مربوط، در فعلیت استحقاق ذینفع کفایت می‌کند.

۴۷. منظور از ذینفع اسمی، شخصی است که نام و مشخصات او در متن ضمانتنامه به عنوان ذینفع نوشته شده باشد.

۴۸. در این مورد مراجعه شود به:

G. Beale, W.D. Bishop, M.P. Furston: Contract, Cases and materials, pub. Butter Worths, First edition, England, 1985; M.P. Furmston cases on the Law of contract, pub. Butter Worth Co., seventh Edition, England, 1977; Bany Nicholaw: French Law of Contract, pub. Butter Worth publication Co., Third Edition, England, 1983.

۴. اختلافات فی‌مابین ضمانتخواه و ذینفع در مورد قرارداد مبنای صدور تأثیری در تعهدات بانک صادرکننده ضمانتنامه ندارد.
۵. حقوق متصوره ذینفع در ضمانتنامه می‌تواند قهراً به قائم‌مقام قانونی او منتقل گردد.
۶. انتقال ارادی حقوق ذینفع، در صورتی که متضمن انتقال تمامی حقوق او در قرارداد مبنای صدور باشد، دارای اشکال خاصی به نظر نمی‌رسد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی